د) معیار شبهه موضوعیه و حکمیه

شاگرد: در اینجا مسلم است که شبهه حکمیه است؟

استاد: عرض کردم به اتکاز بدوی کلاس اگر بگویید، میگویند باید این را از شارع بپرسیم. خود اینکه شبهه حکمیه و موضوعیه چیست، دو تعریف دارد. این دو تعریف معادل هستند یا نیستند؟ شاید جلوتر عرض کرده باشم. آن محکی که یک نحو محک زدن به رسم است، میگویند ات شبهه پیش آمد نگاه کن که باید از چه کسی بپرسی. ببین جواب آن را باید چه کسی بدهد. اگر باید شارع جواب آن را بدهد، شبهه حکمیه است. اگر متخصص و عرف و بینه باید جواب بدهند، شبهه موضوعیه است. این یک تعریف است.

تعریف دیگر این است: «الشبهة الموضوعیة شبهة نشأت من امر موضوعی خارجی». سر و کار شما با خارج است. اگر شبهه از امر خارجی نشأت گرفته، شبهه موضوعی است. اما اگر شبهه از کلیات نشأ شده؛ در تصور و فضای کلیات و انشاء، نشأت گرفته، شبهه حکمیه است. این تعریف به حد است. ولو دارد نشأت را میگوید ولی تعریف دقیقی است.

شاگرد۲: درواقع شبهه موضوعیه شک در حکم جزئی است، شبهه حکمیه شک در حکم کلی است. طبق مثالهایی که آقایان میزنند دائماً شبهه موضوعیه، شک در حکم جزئی است.

استاد: منظور شما از حکم جزئی یعنی جزئی حقیقی؟

شاگرد: مثلاً آن نمیدانم این لیوان است یا نه؟ آن شک من در این چیزی است که میخواهم بخورم.

استاد: آن استفتاء میآید و میگویند در دریا چیزی را پیدا کردیم، نمیدانیم خرچنگ است یا نه. شما چه جوابی میدهید؟ میگویید به متخصص رجوع کن، اگر گفت خرچنگ است نخور. اگر ماهی باشد، باید پولک داشته باشد. اگر ماهی نبود اصالة کذا. من کاری به منافشه در دنباله بحث ندارم، مقصودم این است: این امر جزئی خارجی حقیقی، مثل این لیوان است؟ یا نه، نوع این حیوان در دریا مردار است؟ البته جلوتر اینها را بحث کردهایم. امر موضوعیِ یعنی امر خارجی جزئی حقیقیِ؟ یا نه، امر خارجی یعنی امرِ خارجِ من نطاق الانشاء؟ اگر موضوع را طوری در نظر بگیریم که خود موضوع در نطاق انشاء دخالت دارد، باز شبهه حکمیه است. یعنی اگر در موضوع الحکم انشاءا شک کنیم، باز شبهه حکمیه است و باید از شارع بپرسیم که موضوع را به چه صورت در نظر گرفته است. اما اگر موضوع کلی انشائی صاف است و ما در یک موضوع خارجی - بصنفه یا بنوعه - شک کردهایم، باید ببینیم کدام یک از آنها است.

بازبینی #1
ایجاد شده 23 آوریل 2026 09:55:55 توسط ... .
به روزرسانی شده 23 آوریل 2026 09:56:28 توسط ... .